

تحلیل آموزه‌های عدالت‌گستری و عدل‌پروری سعدی در

پیشگیری از جرم

فرهاد کاکاگرش^۱

چکیده

سعدی شاعر و نویسنده تاریخ‌ساز ایرانی در قرن هفتم است که نظریه‌های انسان‌شناسی و آرمان‌های کمال‌گرایی به‌ویژه عدالت‌پروری را در زیباترین بیان، با زبان رمز و تمثیل بیان کرده است. نگارنده در این نوشتار، بر آن است که آموزه‌های عدالت‌گستری و عدل‌پروری سعدی را در جهت پیشگیری از جرم و اصلاح جامعه تحلیل کند تا به نوعی شناخت بیشتر اندیشه‌های ایرانی‌شهری در آثار کلاسیک ادب فارسی دست یابد و نظرگاه عالمانه و عدالت‌خواهانه سعدی را مطرح کند. روش پژوهش در این پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و واحد تحلیل، مضمون‌حکایات یا آموزه‌ها در آثار سعدی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که توجه به رویکرد عدل‌پروری و عدالت‌خواهی عاملی مهم و مؤثر در پیشگیری از جرم با نگاه صلح‌آمیز سعدی، نمود داشته و این مقوله‌ها به فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است و درنهایت اینکه، عدالت‌گستری عامل مهم در جلوگیری از جرم و تکرار آن و بازپروری مجرم می‌تواند باشد. کلیدواژه‌ها: سعدی، عدالت‌گستری، بوستان، اصلاح اجتماعی و پیشگیری از جرم

مقدمه

در میان شاعران و نویسندگان تاریخ زبان و ادبیات فارسی و ایرانی، همواره کسانی بوده‌اند که استوانه‌های این ادبیات و زبان غنی بوده و آن را حفظ کرده‌اند و فرهنگ و ادب و تمدن ایرانی را به زبان ادبی به نسل‌های آتی جامعه خویش و دیگران معرفی کرده‌اند. ده‌ها ترجمه آثار تعلیمی و ادبی مولوی، سعدی، فردوسی، نظامی، عطار، سنایی، غزالی و ... نشان از تأثیر زبان و اندیشه بسیار متعالی این بزرگان زبان و ادب فارسی است. آثار چنین اعجوبه‌های تاریخ ادبیات ایران، در زبان روان و فرم شعر و نثر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در قلمرو این زبان روان، اندیشه‌های اصلاحی، جامعه‌آرمانی و الگوهای انسانی و مسائل مهم فطری بشری چون محبت، عدالت، شجاعت، اخوت، صلح و صفا و صمیمیت را به شیوه‌های گوناگون و جذاب ارائه کرده‌اند و همین محتوا و پیام‌ها مصلحت‌اندیش آن‌ها و عواطف بلند انسانی‌شان، راز ماندگاری و فرامرزی و فرازمانی آثار آن‌ها بوده است. به‌این ترتیب، هنر و ادبیات متعهد و مکلف به پیام‌آوری صلح و نوع‌دوستی، مفهوم پیدا می‌کند که نمادی از عالی‌ترین قوانین حقوق بشر است.

نگارنده در بررسی و مطالعه رابطه علم حقوق با دیگر علوم در بسیاری از کتاب‌های که در این زمینه بحث شده است، جایگاه ادبیات در علم حقوق و رابطه آن را خالی یافته (از جمله: دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۱۲) و بر آن شدم که در این مبحث مهم در حد توان تحقیق و پژوهش لازم صورت گیرد و نگارنده این مکتوب، در سال ۱۳۹۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و حقوق جزای خویش را در این پیوند با عنوان «جایگاه پیه‌شگیری از جرم در ادبیات فارسی (با تأکید بر آثار سعدی)» به راهنمایی دکتر بابک پورقهرمانی، تحریر نموده است. به علت گستردگی موضوع برای این پژوهش، به‌صورت موردی، بررسی آثار شاعر و نویسنده‌ی بزرگ و عارف قرن هفتم - سعدی - انتخاب شده است که زبان گیرا و گسترده و قدرت بیان و خامه‌ی توانایشان و تأثیری که در دوره‌ی خویش و بعد از خود در تحولات ادبی داشته، بررسی آثارش می‌تواند نکات مهم را در رابطه با موضوع پژوهش ما مشخص نماید.

بیان مسئله

رفاه و امنیت اجتماعی، آسایش، آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های فکری حاکمان و کارگزاران و متولیان امور قضایی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها و حتی خانواده‌هاست؛ برای سعادت‌مندی دنیا و آخرت و رفاه و عدالت اجتماعی متخصصان

حقوقی و جامعه‌شناسی و... به راه‌کارهای فراوانی تاکنون برای جلوگیری و پیشگیری از جرم دست یازیده‌اند.

جرم‌شناسی یکی از مسائل و علوم مهم اجتماعی و شاخه‌های علم حقوق است که در اثر تحولات اجتماعی و سیاسی پیرامون خود، به‌مانند بسیاری از امور و نهادهای دیگر اجتماعی و فرهنگی متحول می‌شود و در پیرامون آن تعریف‌ها، توصیف‌ها و نظریه‌های گوناگون ذکر شده است. در جرم‌شناسی، «پیشگیری مجموعه تدابیری است که در جامعه معین چه از سوی دولت و چه از سوی اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی به‌منظور محدود و یا مهار کردن و یا از بین بردن فرایند بزهکارانه اتخاذ می‌گردد.» (نور بها، ۱۳۹۲: ۶۱) صفاری، پیشگیری در جرم‌شناسی را به مطلق و نسبی تقسیم می‌کند و معتقد است که پیشگیری مطلق به معنای ریشه‌یابی یا شناخت عوامل جرم‌زا و از بین بردن آن‌ها؛ که یا محقق نمی‌شود یا نتیجه دیررس دارد؛ اما پیشگیری نسبی، پیش‌بینی شناخت تناوب و تراکم آثار یا خطرهای جرم، زمان و مکان و به طور کلی فرایند ارتکاب جرم است که نتیجه زودرس دارد و امکان تحقق آن وجود دارد. (۴۳: ۱۳۹۱)

در ادبیات و عرفان اسلامی که رنگ هنری شریعت اسلامی و دین است مؤلفه‌های مذکور، به نحو گسترده و جذاب دیده می‌شود که آموزه‌های سعدی در گلستان و بوستان، یکی از بهترین مصداق در این زمینه می‌تواند موضوع پایان‌نامه حاضر باشد. از طرف دیگر، اگر راه‌های پیشگیری از جرم را در اسلام و عرفان اسلامی-بر اساس متون ادبیات اسلامی و عرفانی - استخراج کنیم غنای فرهنگ عرفانی ایرانی و اسلامی، بیشتر نمایان می‌شود.

ضرورت و پیشینه تحقیق

جرم‌شناسی به‌عنوان چهارراه علوم انسانی و غایت علوم انسانی نام برده شده و یکی از علوم و موضوعات اساسی و پرکاربرد است و کل ادیان و فلسفه و ایدئولوژی‌های بشری هم برای اصلاح انسان‌ها راهکارها داده‌اند که همان نقش اساسی انبیاست، زیرا در جرم‌شناسی انسان مهم‌ترین موضوع است و پیشگیری و جلوگیری از بدبختی و بزهکاری و شقاوت وی، وظیفه اصلی جرم‌شناس است.

آنچه امروز غرب و نظریه‌پردازان آن‌ها به‌عنوان پیشگیری از جرم بر زبان می‌رانند و از آن بحث می‌کنند در فرهنگ و ادب ایرانی به طور عملی راه خود را پیموده است. با نگاهی به آثار گذشته ادبیات خویش، چنین مباحثی را در بسیاری از آن‌ها به عیان می‌توان مشاهده کرد.

یکی از بزرگ‌ترین الگوی تاریخ ساز عرفان و تمدن ایرانی و الگوی مصلح اجتماعی و قاضی شرع و محکمه، سعدی در قرن هفتم هجری است. هدف اصلی هم از این نوشتار، بررسی و واکاوی نظریه‌های جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم، بازگشت به سنت اسلامی، ادبی و عرفانی فرهنگ اصیل خویش است که با تأکید بر اندیشه‌های سعدی و تعمق در ژرفای آن، می‌توان به نوجویی و تازگی‌های مطابق با نیاز امروز دست یافت.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر، در شمار مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات و حقوق قرار می‌گیرد؛ به علت تازگی موضوع پژوهش و جستجوهای انجام گرفته در کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی، مراکز اطلاعات و پژوهش‌های علمی (ایران داک و سیویلیکا و پایان‌نامه‌های موجود)، تاکنون پایان‌نامه‌ای و حتی مقاله‌ای عیناً یا مشابه آن، به نگارش در نیامده است.

بی‌تردید یکی از مراجع اصلی این پژوهش در مبانی نظری، آثار و تقریرات علی حسین نجفی ابرندآبادی در مباحث جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم است که از پیشگامان و نظریه‌پردازان تأثیرگذار در این موضوعات بوده و هست؛ تنها کتابی که از مدت‌ها پیش در این موضوع برای نگارنده الهام‌بخش بوده کتاب «ادبیات و حقوق» فیلیپ مالوری ترجمه مرتضی کلاتریان است که اولین بار در فرانسه در سال ۱۹۹۷ میلادی مطرح کرده است اما به‌طور کلی نویسنده از شاعران و نویسندگان بزرگ اروپایی و جهان نام می‌برد که در آثارشان نسبت به مسائل اجتماعی و قضایی نقشی دیده می‌شود و نگارنده کتاب، بسیار کلی به موضوع نگریسته است.

نگارنده ضمن بررسی سوابق مذکور (که قابل‌دسترسی بوده‌اند) با دقت در نگاره‌های ادبی و اندیشه‌های سعدی به‌عنوان شخصیتی اندیشمند در ادبیات، اخلاق، جامعه‌شناسی، فلسفه و دین‌شناسی، زوایا و نگاه ادبی وی را (به‌صورت موردی) برای اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از جرم و انحرافات اجتماعی کنکاش نموده است.

بحث و بررسی

عدل پروری و عدالت‌گستری

عدل برگرفته است عدالت است و عدالت به معنی حفظ وضعیتی اجرای کاری یا داوری مطابق قانون یا حق و انصاف و دادگری است (انوری، ۱۳۸۳: ۷۰۲) در لغت‌نامه دهخدا، واژه «عدالت» به معنا و مصداق دقیق آن از قول جرجانی آمده است: «عدالت، دادگری کردن، عدالت کردن؛ عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آنچه محظور است در دین». عدالت در ساده‌ترین مفهوم، برابری توزیع

منابع و فرصت‌ها در هر زمینه‌ای را شامل می‌شود و گونه‌های مختلف دارد. عدالت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... عدالت اجتماعی در عرصه جامعه و تربیت چندفرهنگی کاربرد بیشتری دارد. عدالت در یک جمله مختصر و پرمحتوا یعنی «احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی» (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۴)

عدالت یکی از زیباترین، جذاب‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم علوم انسانی است که در عرصه همه امور بشری جریان دارد و اگر تاریخ بشر را مرور کنیم شاید هیچ موضوعی به اندازه بحث عدل و دادپروری ذهن و اندیشه متفکران، مدبران، مصلحان و نظریه‌پردازان علوم انسانی را به خود جلب نکرده است. سعدی از این قافله اندیشمند و ادیب هم‌نمانده است و بسیار عالمانه و روشمند دو اثر مهمش را در نثر و نظم بر اساس موضوعات کلی، طبقه‌بندی می‌کند و اولین باب از باب‌های ده‌گانه بوستان را-که آرمان و آرزوی سعدی در رسیدن به مدینه فاضله و جامعه‌ای پر از صلح و صفا و امنیت است- عدل می‌نامد و شیوه های عدالت‌گستری حاکمان و عدالت‌خواهی مردم را در آن به تصویر می‌کشد و تقریباً چهل بار به مناسبت‌های لازم واژه عدل را هم معنی داد و عدالت تکرار می‌کند گویی که بر اندیشه‌اش نقش بسته است یعنی اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری: (سعدی، ۱۳۷۹: ۲۰)

یکی باب عدل است و تدبیری و رای نگرهبانی خلق و ترس خدای

(همان: ۲۰)

«هانری ما سه ایران شناس معروف فرانسوی نیز کتابی جامع درباره سعدی نگاشته، علت محبوبیت او را در مغرب زمین والایی ذهن و زبان او می‌داند او را با هوراس رومی که بزرگ‌ترین معلم اخلاق جهان غرب شناخته شده هم‌سنگ می‌شناسد. از نظر هوراس خرد، شاه شاهان است. هوراس می‌پرسد اما به راستی این خرد چیست؟ اگر به عقیده هوراس اعتدال و میزان معیار خردمندی است در نظر سعدی چه در حکایات گلستان و چه در باب اشعار بوستان معیار خردمندی اعتدال است.» (عراقی، ۱۳۷۹: ۳۲۰)

سعدی در هر دو کتاب گلستان و بوستان، بر اساس مقتضای کلام و مکان و زمان، هر جا ضروری می‌داند از عدالت و برابری‌ها و پرهیز از نابرابری‌ها در هر موضوع فردی و اجتماعی سخن راند. در اولین باب بوستان، موضوعات بسیار مهم عدالت اجتماعی از قبیل بخشایش بر ضعیفان، فرصت‌های برابر بر رعایا، نظر در حق رعیت مظلوم، حتی دلداری هنرمندان را هم متذکر شده است و به ظریف‌ترین نکات عدالت و دادگری و حاکمان و شاهان در رسیدن به محیطی امن و آرامش برای همگان، اشاره می‌کند. حاکمان را در لفافه حکایات شیرین

نصیحت می‌کند و گاه به تیغ ملامت می‌گیرد و به قول یوسفی «اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری به تعبیر سعدی نگهبانی خلق و ترس خدای». (سعدی، ۱۳۷۹: ۲۰)

که خاطر نگه دارد درویش باش نه در بند آسایش خویش باش

(همان)

سعدی در باب «عدل و تدبیر و رای»، اساس و ساختار حکومت عدل و داد را چون معماری دوران‌دیش در امر حکومت‌داری پی‌ریزی می‌کند. پادشاه خداترس، منضبط، عدل، آگاه بر امور، ناظر، بر عوامل خود، حاضر در جلسات، وقت‌شناس، ق‌ردان نیکی‌ها، آگاه دهنده و تنبیه‌کننده بدی‌ها، دقت در اطلاعات و گزارش‌ها، توجه به گردانندگان اقتصادی چون بازرگانان، بیرون کردن فتنه‌جویان بیگانه، پاس داشتن بزرگان و پیران و قدمای علم و حکومت‌داری، غریب و آشنا و سیاح دوست، بخشش به وقت خود و خشم گرفتن جای خویش، نگهبان مردم‌آزار، ملاحظت با دشمن از روی عاقبت‌اندیشی و مصلحت، حذر از دشمنی که سازگار نیست، عاقبت‌رازپوشی، تقویت مردان کارآزموده و حتی دلداری هنرمندان. در هر مورد جهت اقناع مخاطبان و اثبات پیام‌های خویش، حکایاتی دل‌انگیز با بازنویسی یا بازآفرینی و آمیختگی حقیقت و افسانه، به زیبایی بر زبان می‌آورد و از موضوعات مذکور در همین باب «عدل و تدبیر و رای» ملاحظه می‌شود که سعدی چگونه از مسائل کلی و بزرگ تا ریزترین موارد تدبیر همزیستی مسالمت‌آمیز در کشورداری برای رسیدن به جامعه‌ای مملو از صفا و صمیمیت و عدالت و دادپروری بهره برده است.

سعدی در گلستان هم در باب اول در سیرت پادشاهان، به مناسبت‌های گوناگون از نابرابری‌ها (با زبان قهرمان حکایت‌ها) شکایت دارد و شاهان و حاکمان و دست‌اندرکاران را به عدالت و نگه داشت حال مظلوم و زبردستان دعوت می‌کند.

سعدی حتی در بحث حکمت‌آمیز خلقت بشری بر اساس باور قدما که سرشت و طبیعت آدمی را بر ترکیب چهار طبع می‌نامیدند، می‌گوید: اگر میزان و عدالت آن‌ها در نهاد بشر نبود ساختار سرشت آدمی به هم می‌ریخت.

طبايع تر و خشک و گرم است و سرد مرکب از این چار طبع است مرد

یکی زین چو بر دیگری یافت دست ترازوی عدل طبیعت شکست

(همان: ۱۷۷)

سعدی قرآن دان است مربی دین و اخلاق اینکه نیک می‌داند که در کلام خدا از اساس رسالت پیامبران هدایت بشر به سعادت‌مندی عدالت و برابری معرفی شده است؛ و لقد ارسلنا رسلنا ... ليقوم الناس بالقسط. (الحديد/۲۵)

آنچه در گلستان و بوستان بیش از هر چیز خواننده را به طرف خود جلب می‌کند بازتاب تلخ و شیرینی‌ها، شادی و غم‌ها، عدل و ظلم‌ها و تقابل شاه و گدا، مجرم و قاضی، پرهیزگار و گناهکار و ... است و محصول تجربه‌های بالادست یک متفکر و اندیشمند در زندگانی اوست که با چاشنی زبانی نرم و دل‌انگیز و زیبا نقل می‌شود. در میان این همه بحث‌ها، گویی آنچه بیش از همه نظرگاه سعدی را به خود جلب کرده است رابطه بین حاکم و رعیت یا پادشاه و مردم و به عبارت دیگر حکومت یا حاکمیت و مردم و زیردستان است.

سعدی پادشاه و حاکم را سایه خدا بر زمین می‌داند و ماندگاری و پایداری این سایه را در سایه و در گرو عدالت‌گستری و مهربانی شاه بر زیردستان مطرح می‌کند. سعدی گلستان و بوستان را در مدت کوتاهی نوشته و دیباچه‌های به سنت معمول و به خاطر مصلحتی که تشخیص داده است به مدح ابوبکر بن سعد بن زنگی، ششمین پادشاه سلسله سلغریان حاکم وقت شیراز پرداخته که حامی وی بوده است و در دیباچه گلستان در عین مدح وی، نیش‌دارترین کنایه عدالت‌گستری را به او گوشزد می‌کند:

اقلیم پارس را غم از آسیب دهر نیست تا بر سرش بود چو تویی سایه خدا
بر تو ست پاس خاطر بیچارگان و شکر بر ما و بر خدای جهان‌آفرین جزا
(سعدی، ۱۳۷۳: ۵۲)

در دیباچه بوستان هم هنگام مدح ابوبکر بن سعد حاکم وقت، وی را به انوشیروان عادل تشبیه می‌کند و بزرگ‌ترین صفت شایسته شاه را، عدل و دادگری معرفی می‌کند:

سزد گر به دورش بنامز چنان که سید به دوران نوشیروان
جهانبان دین‌پرور دادگر نیامد چو بوبکر بعد از عمر
سر سرفرازان و تاج نهران به دوران عدلش بنامز ای جهان
(سعدی، ۱۳۷۹: ۳۸)

اینجا تعبیر سخن پیامبر به زبان نرم و روان سعدی دل‌نشین‌تر به گوش می‌رسد که پیامبر در چند حدیث مبارکی «اولین گروه بهشتیان را حاکم دادگر معرفی کرده است.» (خرمشاهی و از صاری، ۱۳۷۶: ۴۷۱) پادشاه عادل که تخت و تاج و ملکش را وقف فقر کودکان و ضعفا کرده است. بر چنین شاهی باید آفرین گفت و از خدا طلب خیر برایش نمود:

ندیدم چنین گنج ملک و سریر که وقف است بر طفل و درویش و پیر
طلبکار خیر است و امیدوار خدایا امیدی که دارد بر آر
(سعدی:.....؟)

از تکبر و غرور میراست هرچند که در اوج قدرت و شکوه است و این اوج برزندگی اوست. در دوره حکومتش، به هیچ کس ذره‌ای ظلم نشده و هیچ کس ناراضی نیست:

گدا گر تواضع کند خوی اوست ز گردن فرازان تواضع نکو ست
نپینی در ایام او رنج‌های که نالد ز بیداد سرپنجه‌ای
(همان)

به همین دلایل مذکور است که چنین شاهی در نزد خدا هم مقامی رفیع دارد چون ضعیفان را قوی نگه داشته و حتی پیرزنی ضعیف از رستم دستان و سرلشکری قدرتمند هراسی به دل ندارد و این چنین مردم در امنیت و آسایش و به دور از رنج و جور و جرم و جنایت به سر می‌برند:

از آن پیش حق جایگاهش قوی است که دست ضعیفان به جاهش قوی است
چنان سایه گسترده بر عالمی که زالی نیندیشد از رستمی
به عهد تو می‌بینم آرام خلق پس از تو ندانم سرانجام خلق
(سعدی، ۱۳۷۳: ۳۹)

بر این میناست که سعدی معتقد است آرامش و رفاه باید سرلوحه همه امور برای حاکمان و زمامداران کشور باشد و مردم امانتی در دست حاکم هستند. در مدح اتابک محمد فرزند سعد هم خاندان او را به چهار صفت می‌آراید:

زهی دین و دانش، زهی عدل و داد زهی ملک و دولت که پاینده باد
(همان: ۴۰)

سعدی بر آن است چنان که عدل و دادگری در جامعه از طرف حاکم قدرت‌مدار سایه گسترده و با همه افراد در حد خود لطف و عنایت مادی و معنوی و برابری صورت گیرد، مردم خاطر پادشاه و حاکم را نگه می‌دارند و در برابرش و در مقابل هم نوعان ظلم وجود و جرم و تعدی انجام نمی‌دهند و همانا آرمان حقوق بشری و بالاترین درجه پیشگیری از جرم به وقوع می‌پیوندد که امنیت و آسایش جامعه است.

در مقدمه باب اول «در عدل و تدبیر و رای» نصیحت تکان‌دهنده انوشیروان را به فرزندش هرمز در آخرین لحظات حیات خود به‌گونه‌ای بیان می‌کند که سرمشق همه حاکمان روزگار باشد. او در ادامه تمثیلی زیبا می‌آورد که تا حاکم در آرامش نیارآمد و مردم را در سختی رها نکند:

شنیدم که در وقت نزع روان	به هرمز چنین گفت انوشیروان
که خاطر نگهدار درویش باش	نه دربند آسایش خویش باش
نپاید به نزد یک دانا پسند	شبان خفته و گرگ در گوسفند
برو پاس درویش محتاج دار	که شاه از رعیت بود تا جدار

(سعدی، ۱۳۷۳: ۴۲)

سعدی هشدار می‌دهد: چنان‌که از عدالت و دادگری سرپیچی کنند مردم دچار پای پیچیدن می‌شوند و از تو گریزان و با تو مخالف می‌گردند و نام ظلم و زشتی تو، افسانه می‌شود. کامیاب‌ترین حاکم روزگار کسی است که عادل‌ترین است:

الا تا نیچی سر از عدل و رای	که مردم ز دست بیچند پای
گریزد رعیت ز بیدادگر	کند نام زشتش به گیتی سمر
از آن بهره‌ورتر در آفاق نیست	که در ملکرانی به انصاف زیست

(همان: ؟)

بر حاکم حکومت لازم می‌داند که در گزینش مدیران و کارگزاران اصلی دقت کند که خداترس باشند و ظالم نباشند و از دست آن‌ها، دست‌های مردم مظلوم علیه آن‌ها بر دعا بلند نشود:

ریاست به دست کسانی خطاست که از دست‌شان، دست‌ها بر خداست

(همان: ۴۳)

از گونه‌های حکایت دادپروری مصداق‌هایی واقع‌گرایانه می‌آورد؛ در گلستان «باب اول در سیرت پادشاهان» حاکم عادل اجازه نمی‌دهد ملازمانش اندک نمکی از روستائیان به‌رایگان بستانند و می‌گوید: آورده‌اند که نوشین روان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود غلامی به روستا رفت تا نمک آرد نوشیروان گفت نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگردد گفتند از این قدر چه خلل آید گفت بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده است:

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سییی برآوردن غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ
(سعدی، ۱۳۷۳: ۷۴)

سعدی گاهی سخت شگفت‌زده است نه از دیدن منظره‌ای شگفت‌انگیز بلکه از حاکمی که در آرامش می‌آساید ولی زیردستانش در رنج و عذابند تنگ‌دل از وی نمی‌آرامند:
عجب دارم از خواب آن سنگدل که خلقی بجنبنند از او تنگ‌دل
(همان: ۵۷)

نتیجه‌گیری

پیشگیری از نظر امکان یا عدم امکان، موافقان و مخالفان دارد. در ادبیات به‌ویژه دیدگاه سعدی، امکان پیشگیری وجود دارد و هرچند که دیدگاه سعدی بیشتر جنبه نظری دارد اما وی سعی دارد با آوردن تمثیلات و حکایات و حوادث، مبانی نظری را کاربردی و عملی نشان دهد تا بیشتر بر عواطف انسانی تأثیر بگذارد و روح انسانی را تطیف نماید.

با این وصف، پیشگیری همیشه پاسخگویی نیاز جامعه و فرد در تقابل جرم و انحراف نیست بلکه مانند هر موضوع نظری موانع و محدودیت‌هایی دارد. گویی سعدی در فراز و نشیب زندگانی و علم و عملش تنها به سیاست و کیاست و مسالمت و عدالت در زندگی اجتماع اندیشیده و فارغ از هر فکر و تحولی دیگر بوده است در حالی که سعدی شناسان به این بعد شخصیتی وی کمتر توجه کرده و جالب‌تر آن که در تمام زوایا از افراط و تفریط به دور و متفکر و نویسنده و شاعری میانه‌رو و اعتدال‌گرا بوده است و در چنین جامعه‌ای با این تصویر و مشخصات، جرم و آسیب‌های اجتماعی به حداقل می‌رسد. نتایج نشان می‌دهد که توجه به این رویکرد نمود داشته و این مقوله‌ها به فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است. اندیشه‌ها و روش‌های تربیتی و آموزشی، زبان، جذابیت‌های سخنوری و ترفندهای مخاطب‌شناسی در سعدی، وی را در بالاترین جایگاه‌ها و معیارهای برتری و تحول‌آفرین و دوران‌سازی شاعران و نظریه‌پردازان جهان قراردادده است و بحث پیشگیری از جرم در کلام او گویای بارز رابطه حقوق انسانی و ادبیات است.

موارد مذکور نشان می‌دهد که توجه بسیار جدی سعدی به عدل و دادگری، دغدغه مهم فکری او به نسبت فرد و اجتماع بوده و درنهایت اینکه معتقد است: عدل پروری و عدالت‌خواهی عاملی مهم و مؤثر در پیشگیری از جرم، فساد، تباهی و مجرم‌پروری است.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ کوچک سخن، تهران: سخن
- خسرو شاهی و پورقهرمانی، قدرت الله و بابک (۱۳۹۰) پیشگیری اجتماعی از وقوع جرایم کودکان در پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۶ ش ۱۸.
- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق، تهران: سمت
- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۳)، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- _____، (۱۳۷۹)، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- _____، (۱۳۶۲)، کلیات سعدی به تصحیح فروغی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____، (۱۳۷۴)، دیوان غزلیات سعدی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- کاکهرش، فرهاد، (۱۳۹۵)، جایگاه پیشگیری از جرم در ادبیات فارسی (با تأکید بر آثار سعدی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق، گرایش فقه و حقوق جزا به راهنمایی: دکتر بابک پورقهرمانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
- مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱) ادبیات و حقوق، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: آگاه
- نراقی، احسان (۱۳۷۹) «مفهوم اعتدال و عدالت در اندیشه سعدی» ماهنامه بخارا فروردین ۱۳۷۹ شماره ۱۱، صص ۳۲۵-۳۱۸
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۱) مباحثی در علوم جنایی، به کوشش شهرام ابراهیمی، نشر الکترونیکی
- _____ (۱۳۷۹) تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری به کوشش محمدعلی بابایی، دانشگاه تربیت مدرس، نشر الکترونیکی
- نور بهاء، رضا (۱۳۹۲)، زمینه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش.

